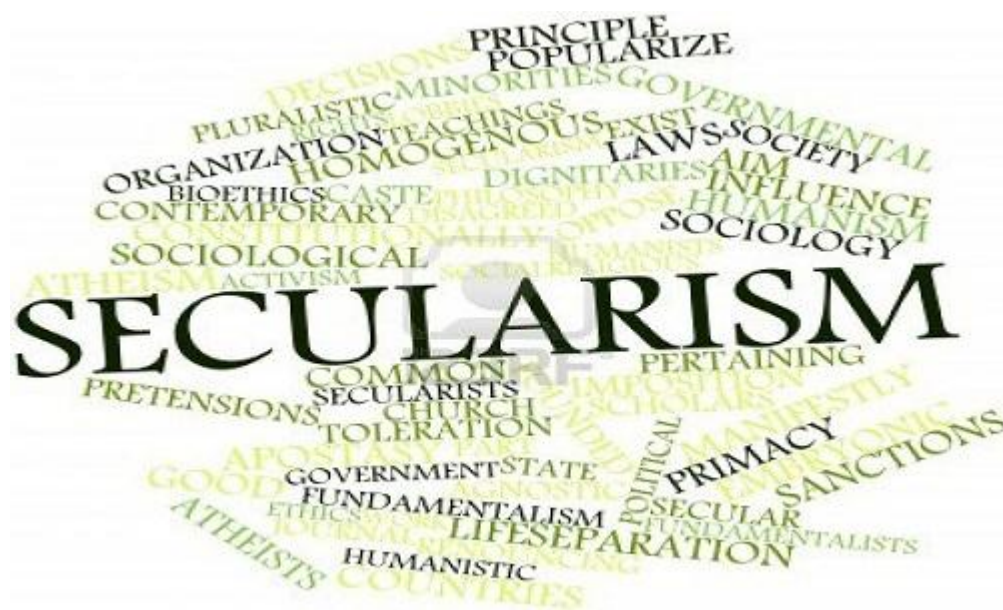


بسم الله الرحمن الرحيم

سیکولریزم؛ مفکوره‌یی که قابل تطبیق نیست!



(ترجمه)

خبر

رسانه‌های تانزانایی گزارش داده اند که رییس جمهور "جان موگوفلی" به روحانیون کشورش توصیه نمود که دین را در مسائل سیاسی دخیل نسازند و تأکید نمود: «هرگاه چنین وضعیت ادامه پیدا کند، کشور به انحراف سیاسی کشیده خواهد شد.» رییس جمهور اظهار نمود: «این بهترین فرصت برای رهبران مذهبی (علمای دین) می‌باشد تا از گرفتن سخنگویانی که واقعاً عالم نیستند، اجتناب ورزند تا باشد که از مغشوش کردن پیروان‌شان جلوگیری شود.» او تأکید نمود: «هرگاه موضوعی به امور دین ربط می‌گیرد بهتر است تا شیخ، مفتی، خطیب، روحانیون و رهروان روحانیون کشور، در میان مردم به حل آن بپردازند، نه این که سخنگویانی که قادر به تفکیک میان امور دینی و سیاسی نیستند، حرف بزنند.»

تبصره

این اظهارات پس از آن صورت گرفت که داکتر موگوفلی از عصری‌ترین مسجدی در حال ساخت در دار اسلام بازدید نمود. بنای مذکور انتظار می‌رود که از جمله بزرگترین ساختمان در شرق و افریقای مرکزی محسوب شود که تحت حمایت مالی شاه مراکش بنام محمد اسادس با هزینه تقریباً میان ۸۰ الی ۱۰۰ میلیون دالر ساخته می‌شود.

منع خلط سیاست با دین و برعکس آن هرگز جنبه عملی نداشته و با واقعیت انسانی در تضاد است؛ چون هر دو راهنمای انسان‌ها است که از جانب خالق یکتا در قالب یک نظام آمده است. به معنای وسیع‌تر، نظریه حامیان سیکولریزم یک دیدگاه ناقص و در کل

متناقض با طبیعت انسانی است. هرچند سیکولریزم بنیان‌گذار ایدئولوژی سرمایه‌داری است، که رسماً در قرن هجدهم میلادی پس از بحران‌های وخیم جنگ میان روحانیون و متفکرین ظهور کرد، به عنوان راه‌حل مصلحت‌آمیز بدون رد با قبول هیچ‌گونه قاعده و مفهوم فکری ادیان به وجود آمده است. اما در صحنه عملی، زمانی که روحانیون از سیاست حرف بزنند یا حکام را محاسبه کنند، سیاستمداران به طور شتاب زده روحانیون را احمق‌هایی که با دین و سیاست بازی می‌نمایند، خطاب می‌کنند، مگر هنگامی که سیاستمداران برای آجندای سیاسی‌شان از دین استفاده کنند، درین صورت هیچ خطری به عنوان عمل بد محسوب نمی‌شود.

علاوه بر این، سیاسیون دموکراتیک سرزمین‌های اسلامی کاملاً از این آگاهی دارند که سیکولریزم یک مفهوم غربی بوده و هیچ ربطی با اسلام ندارد، با این حال سعی دارند که عمده‌تاً تمام ادیان را بطور عام در یک ردیف قرار دهند؛ به این معنی که همه ادیان از سیاست جدا شوند.

در اسلام هیچ مفهوم جدایی دین از سیاست وجود ندارد، چون روح و جسم انسان در یک پیکر واحد قرار داشته که از هم جدا ناپذیر اند. علاوه بر این، در اسلام هرکس حق دارد تا در سیاست اشتراک کند، خواه در جنبه عملی یا گفتاری و یا هم‌سیاسون را محاسبه کنند، و خلافت یگانه نظامی است که قایم‌مقام آن هیچ حقی ندارد که افراد را از محاسبه وی و معاونین اش منع کند.

نویسنده: علی‌آمور

عضو دفتر مطبوعاتی حزب التحریر-تازانیا

برای دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

۴ شوال ۱۴۳۹ هـ.ق

۱۸ جون ۲۰۱۸ م